یادداشت

علیرضا سجادیفر

دلاوری‌های دیروز تا پایداری امروز در برابر کفار

مرداد ۱۳۶۶ در سنگرهای خاکی جزیره مجنون رزم و بزم پهلوانی را می‌آموختیم. گهگداری سنگر کمین می‌رفتیم، گاهی سنگر تأمین جاده، گاهی سنگر دوشکا و گاهی هم پاسگاه آبی. برای دنیای‌مان چنان بودیم که گویی همیشه زنده خواهیم ماند. کتاب‌های درسی را می‌خواندیم و در برگ‌برگ کتاب‌ها رد عرق جبین باقی می‌ماند. انگار نه انگار که هر آن ممکن بود موج انفجار توپ فرانسوی ما را به سقف سنگر سنجاق کند و رد قناسه بر پیشانی دوستی بنشیند و او را به عرش سنجاق کند.

مشکلی نبود جز نوع مبارزه با پشه‌ها و موش‌های مزاحم سنگرها، و بوی تعفن مرداب جزیره. آن روزها برای آخرت‌مان چنان بودیم که گویی فردا خواهیم مرد و آرزو می‌کردیم خدا ما را «پاکیزه» بپذیرد. بر عهدمان پایدار بودیم و حالا که میراثدار حفظ جزایری را که همت‌ها و باکری‌ها آزاد کرده بودند، بودیم بر خود می‌بالیدیم. آن روزها دلخوش بودیم به امام‌مان؛ همو که بر بازوی رزمندگان بوسه می‌زد، مردمش را دوست می‌داشت و مردم نیز تا پای جان از راه و مرامش دفاع می‌کردند. او می‌گفت «من با جرئت مدعی هستم که ملت ایران و توده میلیونی آن در عصر حاضر، بهتر از ملت حجاز در عهد رسول‌الله(ص) و کوفه در عهد امیرالمؤمنین و حسین‌بن‌علی - صلوات‌الله و سلامه‌علیهم - می‌باشند...» (صحیفه امام، ج، ص ۴۱۰).

آن روزها فرزندان روح‌الله غریبانه با دست خالی در برابر صدام بعثی و حامیان پرشمارش ایستادند. زمین و زمان بر اثر انفجار توپ و تانک و خمپاره اهدایی همین گرگ‌صفتان و کفتارها و نانجیبان زیر پای‌مان می‌لرزید و دل‌مان قرص بود به امداد الهی و تدبیر امام امت. امروز هم بسان آن دوران تمام جهان کفر کمر به نابودی میراث خمینی و انقلاب اسلامی‌مان که با خون هزاران نفر از بهترین فرزندان این ملت به ثمر نشسته است، بسته است. امروز فرانسه همان فرانسه مزاحم است که روزی با توپ‌ها و موشک‌های سوپراتاندارد‌ش با ما می‌جنگید و امروز هم نخست‌وزیرش از ترامپ می‌خواهد در مورد ایران «کارهای بزرگی انجام دهد» و آلمانِ بزرگ‌ترین تجهیزکننده سلاح شیمیایی صدامیان همان آلمان است و آمریکا هم همان. جهان کفر ما را با ناوهایش تهدید می‌کند، با اف ۳۵ و موشک‌هایش، اما خدای‌مان همان خدای دهه ۶۰ است و بسیجیان و سپاهیان و ارتشیان دلاور هم با همان روحیات سال‌های دفاع مقدس پای کارند. خیابان‌های تهران با فتنه‌های مسلحانه ۱۳۶۰ هنوز زخمی است، اما خون‌های شهدای ترور و مظلومیت انقلابیون باعث قوام بیشتر نظام می‌شود. زخم‌های متعددی که استکبار جهانی در پوشش‌های گوناگون بر پیکره نظام زد تا اینکه به اشتباه ناکامی ۱۴۰۴ رسید. نمی‌دانم چرا نمی‌خواهند بفهمند که به قول امام(ره) شهادت هنر مردان خداست، و ملت با شهادت جا نخواهد زد. هنوز هم داغ شهادت فرزندان این سرزمین ریشه‌دار در خیابان‌های کشور به خاطر وطن‌فروشی مزدوران و فتنه‌گران زنده است. چقدر دل‌مان از جنایات تروریست‌های اجاره‌ای این روزها به درد آمد، ولی همگان دیدند که باز هم چشم فتنه‌گران کور شد. در این میان سخنان فرمانده معظم کل قوا دل‌مان را قرص و محکم می‌کند؛ مردمی که ذکر حماسه‌آفرینی‌های‌شان در آستانه ظهور امام عصر کراراً در احادیث معصومین(ع) آمده است، مردمی که مؤید به تأییدات و دعاهای زاکیه معصومان علیهم‌السلام هستند، مردمی که بصیرت و هوشیاری و حرکت به لحظه خود را در همه بزنگاه‌های حساس انقلاب اثبات کرده‌اند، مردمی که به ثمر نشستن تلاش همه انبیا و اوصیای الهی بسته به همت آنهاست، و شاید همه آن معصومان علیهم‌السلام در حسرت و انتظار چنین مردمی بودند.

ناکامی اغتشاشگران و تروریست‌ها در دستیابی به اهداف شوم خود، نشان‌دهنده وحدت همین ملت و قدرت نظام است. با وجود همه تلاش‌های آنان برای ایجاد ناامنی و آشوب، مردم همیشه در کنار هم با بصیرت و هوشیاری ایستاده و با امید به آینده‌ای بهتر، بر فتنه‌ها غلبه کرده‌اند. این حوادث نه تنها عزم و اراده ملت را تقویت کرده، بلکه عزت و اقتدار کشور را در عرصه‌های جهانی به نمایش گذاشته است، چنان‌که حتی حضور ناو امریکایی‌ها در خلیج‌فارس بسان آن روزها دل‌مان را نمی‌لرزاند، چون به قدرت خود در پشت جبهه و در دریا باور داریم؛ از پهپادهای حدید ۱۱۰ تا اژدرهای حوت و موشک‌های بالستیک هرمز و فاتح و نور. اگر هم حاجی‌زاده‌ها و سلامی‌ها در ظاهر در بین ما نیستند، اسطوره‌های بیشماری داریم که گمنام‌اند و فرماندهی داریم(سردار پاکپور) که با قاطعیت و بدون لکنت زبان می‌گوید «دست به ماشه‌ایم» و امامی داریم که مثل سلفش مردم را دوست دارد. معظم‌له برای ما خلف برحق آن امام است و شجاعت و قدرت فرماندهی و قاطعیت ایشان خواب را بر ترامپ و جهان کفر آشفته کرده است. بله آقای ترامپ قمارباز، ما دلخوش و گوش به فرمان مقتدای‌مان و تصمیم فرماندهان عزیزمان هستیم و خدا را شکر که ملتی رزمنده و پای‌کاریم.

خبر

در بیانیه‌ای با امضای ۲۴۰نفر اعلام شد

حمایت علمای اهل‌سنت هرمزگان از مقام معظم رهبری

۲۴۰نفر از ائمه جمعه و جماعات و اعضای شورای علمای اهل‌سنت استان هرمزگان با صدور بیانیه‌ای، حمایت قاطع، آگاهانه و همه‌جانبه خود را از مقام معظم رهبری و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران اعلام کردند.

به گزارش ایرنا، در این بیانیه که دفتر مرکز اسلامی استان هرمزگان آن را منتشر کرده، آمده است:

ما علمای اهل‌سنت استان هرمزگان، با الهام از تعالیم قرآن کریم و سیره پیامبر اعظم(ص)، بر این باوریم که وحدت امت اسلامی و تبعیت از رهبری دینی، رمز عزت و پیشرفت ملت ایران است و خون پاک شهدا، چراغ راه استمرار انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

در ادامه این بیانیه تأکید شده است:

بی‌شک دشمنان اسلام و ایران اسلامی با بهره‌گیری از جنگ ترکیبی و توطئه‌های رسانه‌ای، در پی تضعیف انسجام ملی هستند، اما ملت ایران با بصیرت و وحدت، همچون گذشته این توطئه‌ها را خنثی خواهد کرد.

در بیانیه ائمه جمعه و جماعات اهل سنت هرمزگان همچنین آمده است: ما بر لزوم تلاش مجدانه در عرصه تبیین معارف دینی و تقویت بنیان‌های اعتقادی نسل جوان تأکید می‌کنیم تا زیربنای فکری جامعه در برابر هجمه‌های فکری و فرهنگی بیگانگان مستحکم‌تر گردد و مسیر نورانی پیشرفت و تعالی با اتکا به آموزه‌های اسلامی همیشه هموار بماند. علمای اهل سنت هرمزگان در پایان این بیانیه، با تأکید مجدد بر حمایت همه‌جانبه از ولایت فقیه، بر لزوم صیانت از دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران و تقویت وحدت و همدلی میان اقشار مختلف مردم تأکید کردند.

گفت‌وگو

فائزه سادات یوسفی

گفت‌وگوی «جوان» با عباس سلیمی‌نمین درباره اغتشاشات اخیر

فتنه اخیر شلیک دشمن به نظام اقناعی کشور بود

علی پوردهقان | جوان

در فتنه اخیر، حضور حداکثری و مسلحانه جریان‌های برانداز اعم از گروهک‌های شناخته‌شده مانند منافقین، سلطنت‌طلبان، داعشی‌ها، تجزیه‌طلبان تا گروه‌های جدیدی مانند صوفیان و ری‌استارت‌ها با هماهنگی سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی و نفوذی‌های داخل، نشان می‌داد راهبرد جبهه امریکایی - صهیونی در عملیاتی کردن جنگ علیه ایران تغییر یافته و در بستر خیابان‌ها در حال اجراست. آنچه در این واقعه قابل توجه بود و آن را تا حدودی از آشوب‌های دیگر مجزا می‌کرد، بالابودن میزان جنایت و خشونت و همچنین وجود برنامه از قبل سازمان‌یافته برای شکل‌دهی به نوع درگیری‌های مسلحانه بود؛ رویدادی که نشان می‌داد دشمنان برای اجرای پروژه براندازی و تسلیم‌پذیری ایران، در حال محک زدن مسیرهای مختلفی هستند. در همین رابطه با آقای سلیمی‌نمین، تحلیلگر و کارشناس سیاسی گفت‌وگویی داشتیم تا با واکاوی چرایی اعمال خشونت سرشار از سوی جریان‌های ضدانقلاب و امریکا، اهداف دشمن را از این اقدام بررسی کنیم.

به نظر شما، علت این حجم از خشونت رفتاری از سوی اغتشاشگران و تروریست‌ها علیه مردم و نیروهای امنیتی و انتظامی چه بود، اینکه افراد را سر ببرند، مثله کنند و آتش بزنند، مورد تأیید هیچ انسانی نیست، هیچ جریان سیاسی با این حجم از خشونت عریان نمی‌تواند میان ملت ایران برای خود محبوبیت بخرد بلکه منفورتر می‌شود چنانکه منافقین شدند، این رفتارهای خشن چگونه تحلیل می‌شود؟

دشمن اولین راهی که پیگیری می‌کند، ایجاد خصومت در میان اقشار مختلف جامعه است. تنها راهی که می‌تواند به ایران ضربه بزند، ایجاد دوقطبی‌های خصومت‌بار است. یکی از دلایل این امر، جایگاه نظام ماست که از ابتدای نهضت، بر اساس جذب افکار، تحول سیاسی را در کشور به وجود آورد. رهبری نهضت اسلامی در طول زمان، ادله خود را برای تحول در ایران مطرح کرد و به تدریج این دلایل از سوی اقشار مختلف جامعه پذیرفته شد و یک نهضت فکری شکل گرفت. دشمن هرگز این مسئله را نمی‌پسندد، چراکه این روند، نظام سیاسی مقابل را زیر سؤال می‌برد و زمینگیر می‌کند. ما با استدلال، افکار عمومی را اقناع و برتری اندیشه خود را ثابت می‌کنیم، در حالی که آنها متکی بر خشونت و سرکوب هستند. همین موضوع، تهدید تحول در ایران را برای غرب به شدت بالا می‌برد. دشمنان از ابتدای انقلاب اسلامی تلاش کردند فضای ایران را تند و خشونت‌آمیز کنند. هنوز عمری از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که بسیاری از تئوریسین‌های انقلاب مانند آیت‌الله مطهری، شهید مفتح و دیگران را ترور کردند تا این قوت را از نظام جدید بگیرند، سپس به تدریج خشونت‌های کور را دنبال کردند؛ ترور ناموفق آیت‌الله خامنه‌ای و متأسفانه ترورهای موفق شخصیت‌هایی مانند شهید بهشتی و شهید باهنر. دلیل عمده این رویکرد، عدم‌استفاده نظام اسلامی از سلاح و خشونت در طول نهضت بود، حتی امام اجازه نمی‌داد نیروهای وابسته به پهلوی یا امریکایی‌ها ترور یا کشته شوند. بحث اصلی، حذف فیزیکی نبود، بلکه اقناع بود، حتی بسیاری از عوامل ارتش پهلوی به نهضت پیوستند و فرار گسترده از پادگان‌ها اتفاق افتاد که ناشی از جلوگیری امام از خشونت بود. آن زمان در فضای آرام، اندیشه جای خود را باز می‌کرد و امکان انتخاب‌گری فراهم می‌شد. پس از ترورهای مشخص، منافقین ترورهای کور را شروع کردند؛ هر فردی را در خیابان که نشانه‌ای از بسیج یا حتی ریش داشت، هدف قرار می‌دادند تا نظام اسلامی را به سمت خشونت بکشانند. طراحان این اقدامات می‌دانستند انقلابی که با تفکر و قانع‌سازی جذب می‌کند، می‌تواند قدرت گسترده‌ای در میان مردم داشته باشد. از اهداف آنها این بود که با خشونت‌ورزی تلاش داشتند نظام را نیز به خشونت بکشانند که البته در سال ۱۳۶۰ تا حدودی موفق شدند و برخی نیروهای ما را عصبانی کردند، ولی خوشبختانه در نهایت، این اتفاق رخ نداد. امروز نیز مواضع جمهوری اسلامی حتی در مورد صهیونیست‌ها مبتنی بر خشونت نیست. ما هرگز معتقد به کشتار یا حذف فیزیکی صهیونیست‌های مستقر در فلسطین نیستیم، بلکه معتقدیم باید با حضور همه فلسطینیان، انتخابات برگزار شود. راه‌حل ما امروز نیز راه‌حلی قابل فهم و قابل احترام برای همگان است. هر فرد صاحب‌فکر درمی‌یابد که این رویکرد، خیر و سعادت عموم را تضمین می‌کند. به دلیل داشتن چنین رویکردی، طبیعی است که دشمن تلاش کند خشونت را بر فضای ما حاکم کند، از این رو باید همان‌گونه که در این دوره ناکام ماندند، در آینده نیز با دقت بیشتر از آنچه دشمن دنبال می‌کند، یعنی دوقطبی کردن جامعه و حاکم‌کردن خشونت جلوگیری کنیم. باید آگاهانه و با قانع‌سازی نشان دهیم که چه روشی مصالح همه اقشار جامعه را تأمین می‌کند. خوشبختانه امروز فرصت داریم توجهات را هم به شیوه کار دشمن و هم به ادله نظام اسلامی جلب کنیم تا افراد به جمع‌بندی مناسب برسند که ذیل چه راهبردی، منافع‌شان بهتر تأمین خواهد شد.

فتنه اخیر پس از جنگ ۱۲روزه که امریکا و رژیم اسرائیل در آن شکست خورد، چه هدفی را دنبال می‌کرد؟

دشمنان معتقد بودند ابتدا باید به ایران حمله و پایه‌های نظام را تضعیف کنیم، سپس نیروهای میدانی مانند منافقین و سلطنت‌طلبان وارد میدان شوند تا با نظام تضعیف‌شده مواجه شوند و بعد از آن بتوانند مسائل را در ایران به نقطه دلخواه خود نزدیک کنند، اما این هدف به شکست انجامید، زیرا ما از قدرت بازدارندگی مطلوب و متوازنی برخوردار بودیم و نشان دادیم در برابر هر حمله، پاسخ متقابل خواهیم داد. در عمل نیز ثابت کردیم دارای قدرتی هستیم که اگر دشمنان نقطه استراتژیک و تعیین‌کننده‌ای از کشور را هدف بگیرند، ما نیز مرکز تعیین‌کننده‌ای از آنها را نابود می‌کنیم. بی‌شک، با توجه به محدود بودن جغرافیا و پایگاه‌های رژیم‌صهیونیستی و زوال بازدارندگی و تضعیف قدرت پدافندی در سرزمین‌های اشغالی، حملات ما تأثیر بسیار بیشتری داشت. این مسئله ضربه و شوک بزرگی به رژیم‌صهیونیستی و امریکا وارد کرد و در همان مقطع مجبور شدند بحث آتش‌بس را مطرح کنند. امریکا و رژیم‌صهیونیستی پس از ناکامی در این جنگ به شیوه دوم روی آوردند، یعنی ایجاد جریانات هدایت‌شده برای به‌هم‌ریزی جامعه ایران تا زمینه دخالت نظامی بیرونی فراهم شود. آنها اینگونه استدلال می‌کردند که وقتی حاکمیت گرفتار درگیری‌های داخلی شود، قدرت بازدارندگی‌اش را از دست خواهد داد، اما در عمل این شیوه نیز به نتیجه‌ای نرسید.

دشمنان با تبلیغات مخرب و جهت‌دار توانستند نوجوانان و جوان‌هایی را هیجانی و به طور فریبنده وارد میدان کنند. برای پیشگیری و جلوگیری از تکرار این روند چه راهکاری پیشنهاد می‌دهید؟

باید به این نکته دقت کنیم که بخشی از جوانان کم‌سن‌وسال و احساساتی، ممکن است با دیدن یکسری مشکلات در بدنه اداری و حاکمیت، مثلاً برخورد نامناسب در دستگاه قضا به شدت برانگیخته شوند. این برخورد لزوماً متوجه شخص نیست و ممکن است جوان با مشاهده بدرفتاری با پدر یا مادر خود دچار این احساس شود. باید مراقب باشیم دشمن با عملیات روانی، از این نیروهای متأثر یا زخم‌خورده از نظام اداری یا قضایی، سپر انسانی نسازد و آنها را به ارتباط مستقیم با خودش سوق ندهد. امروز فضای مجازی به‌ویژه برخی پلتفرم‌ها که در اختیار صهیونیست‌هاست، در ایران نیز ترویج شده است و آنها از این طریق به راحتی می‌توانند افراد را شناسایی و بر اساس گرایش‌های‌شان تماس برقرار کنند. کسی که دچار انحطاط اخلاقی است، می‌تواند صید خوبی برای دشمنان ایران باشد. باید این ارتباط را قطع و زمینه اعتراض قانونی را برای اقشار مختلف فراهم کنیم. متأسفانه گرچه همه بر قانونی بودن اعتراض تأکید دارند، اما ساختار لازم برای آن هنوز فراهم نیست. این ساختار تنها با مصوبه مجلس ایجاد نمی‌شود، بلکه نیازمند آن است که احزاب و گروه‌ها مسئولیت به‌میان آوردن و مدیریت تجمعات را بپذیرند. متأسفانه برخی احزاب حاضر به پذیرش هزینه‌های این مسئولیت نیستند و این مسئله مشکل‌ساز است. آنها هنگام انتخابات ناگهان ظاهر می‌شوند و با کسب امتیاز از حاکمیت، در بزنگاه‌ها خود را در حاشیه امن قرار می‌دهند، بنابراین اگر دوباره دشمن نیروهای سازمان‌یافته خود را بسیج کند، ممکن است جوان ناراضی که راه دیگری برای ابراز ناراحتی نیافته است به شبکه‌های پنهان دشمن بپیوندد و به سپر انسانی تبدیل شود و هزینه کار سیاسی در کشور را به شدت افزایش دهد. باید دقت کنیم که دشمن زمان را از دست نمی‌دهد؛ دلایل شکست خود را ارزیابی می‌کند و گام بعدی را با قدرت بیشتر برمی‌دارد. این مسئله باید مورد توجه جدی قرار گیرد تا از تکرار وقایع مشابه جلوگیری شود.

بسیج

در همایش «بسیج، توسعه و امنیت پایدار منطقه جنوب‌شرق کشور» عنوان شد

«سیستان‌وبلوچستان» دروازه امنیت و تجارت کشور

فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه با تأکید بر اینکه سیستان‌وبلوچستان دروازه امنیت، تجارت و اقتصاد و حافظ منافع نظام جمهوری اسلامی ایران است، گفت: دشمنان به دنبال ایجاد مانع در مسیر توسعه جنوب شرق کشور هستند اما این توطئه‌ها با انسجام داخلی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی خنثی می‌شود.

به گزارش ایرنا، سردار سیدحسن مرتضوی، فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در نخستین همایش «بسیج، توسعه و امنیت پایدار منطقه جنوب‌شرق کشور» که با هدف تبیین نقش امنیت پایدار در پیشرفت و توسعه همه‌جانبه سیستان‌وبلوچستان و منطقه جنوب‌شرق کشور در تالار امام رضا(ع) دانشگاه سیستان‌وبلوچستان در زاهدان برگزار شد، اظهار کرد: سیستان‌وبلوچستان در واقع ثروتمندترین استان کشور است چراکه معادن، مرزهای ارزشمند و استعدادهای کم‌نظیر انسانی در آن وجود دارد اما به دلیل ضعف در تبیین، تشویق و ایجاد مشوق‌ها این ظرفیت‌ها به درستی فعال نشده‌اند. وی اضافه کرد: استان سیستان‌وبلوچستان با وجود برخورداری از ظرفیت‌های عظیم انسانی و مادی به ناحق «فقیر» نامیده شده است.

سردار مرتضوی با بیان اینکه شرق کشور تنها محدود به سیستان‌وبلوچستان نیست، تصریح کرد: این منطقه گستره‌ای از جنوب خراسان‌جنوبی تا جاسک در شرق هرمزگان و بخش‌هایی از استان کرمان را در بر می‌گیرد. وی با تأکید بر ضرورت تمرکز همه‌جانبه بر جنوب شرق کشور اظهار کرد: مبنای برگزاری همایش «بسیج، توسعه و امنیت پایدار منطقه جنوب‌شرق کشور» تأکیدات حکیمانه رهبر معظم انقلاب بر لزوم توجه ویژه به این منطقه است و این موضوع به صورت جدی در ستاد کل نیروهای مسلح پیگیری می‌شود.

مرتضوی با بیان اینکه این همایش با مشارکت ملی و منطقه‌ای برگزار شد، افزود: امید است نشست پایانی همایش که روز سه‌شنبه این هفته در تهران برگزار می‌شود، به صدور یک سند جامع و مؤثر برای توسعه و امنیت پایدار جنوب شرق کشور منجر شود. فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه با اشاره به تمرکز دشمنان بر ایجاد ناامنی و جلوگیری از پیشرفت این منطقه ادامه داد: امروز استکبار جهانی و رژیم‌صهیونیستی با بهره‌گیری از سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه و تحریک عناصر تکفیری و تروریستی به‌دنبال ضربه زدن به جنوب شرق کشور هستند اما این تهدیدها با همدلی و هماهنگی بخش‌ها و نهادهای مختلف بی‌اثر می‌شود.

سردار مرتضوی با تأکید بر لزوم پرهیز از خطاهای گذشته گفت: برای حرکت به سمت افق پیش‌بینی‌شده نیازمند همسویی، هم‌افزایی و استفاده از تجربه‌های موفق هستیم که نمونه بارز آن، مدل امنیتی و توسعه‌محور شهید شوشتری است؛ مدلی که بر توجه به اقشار محروم، کشف استعدادهای بومی و استفاده از شایستگان هر منطقه استوار بود.

فرمانده قرارگاه قدس نیروی زمینی سپاه در جنوب‌شرق کشور با اشاره به نگاه جدید دولت به مناطق مرزی گفت: امروز بسیاری از موضوعاتی که پیش‌تر به عنوان تهدید تلقی می‌شد به فرصت تبدیل شده و نگاه دولتمردان به فعال‌سازی ظرفیت‌های مرزی و توسعه تجارت در جنوب‌شرق کشور در حال تغییر است.

دفاعی

فرمانده نیروی دریایی ارتش:

قدرت دریایی ایران لنگرگاه ثبات در منطقه است

فرمانده نیروی دریایی ارتش با بیان اینکه قدرت دریایی ایران به عنوان لنگرگاه ثبات در منطقه عمل می‌کند، گفت: اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آبی نه تنها امنیت خطوط مواصلاتی تجاری ما را تضمین، بلکه جایگاه ایران را به عنوان یک قدرت دریایی در هندسه جدید قدرت جهانی تثبیت کرده است.

به گزارش روابط عمومی ارتش، امیر دریادار شهرام ایرانی در جمع دانشجویان سی‌ودومین دوره آموزش نظری معارف جنگ در دانشگاه افسری امام علی(ع) با تأکید بر نقش کلیدی فناوری‌های بومی در ارتقای توان رزم تصریح کرد: تکیه بر دانش متخصصان داخلی و جوانان نخبه، نیروی دریایی ارتش را به سطح بالایی از خودکفایی رسانده است. این پیشرفت‌ها بی‌شک ثمره روحیه خودباوری است که از دوران دفاع مقدس به ارث رسیده است. ایرانی با اشاره به حضور مستمر و مقتدرانه نیروی دریایی ارتش در آب‌های آزاد بیان کرد: اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی ایران در هزاران کیلومتر دورتر از مرزهای آبی، پیامی روشن از صلح و دوستی برای کشورهای همسو و هشداری جدی برای بدخواهان است. این حضور نه تنها امنیت خطوط مواصلاتی تجاری ما را تضمین می‌کند، بلکه جایگاه ایران را به عنوان یک قدرت دریایی در هندسه جدید قدرت جهانی تثبیت کرده است. وی در بخش دیگری از سخنان خود، خطاب به دانشجویان عنوان کرد: شما افسران جوان، وارثان خون شهدایی هستید که با کمترین امکانات در برابر استکبار جهانی ایستادگی کردند. امروز مسئولیت شما سنگین‌تر است چراکه باید با تسلط بر علوم نوین نظامی و بهره‌گیری از تجربیات پیشکسوتان راهبردهای نبرد ترکیبی را در عرصه‌های مختلف عملیاتی پیاده‌سازی کنید.

فرمانده نیروی دریایی ارتش با اشاره به اهمیت برگزاری دوره‌های معارف جنگ، این دوره‌ها را پُلی میان نسل‌ها دانست و تصریح کرد: شناخت دقیق عملیات‌های ماندگار دوران دفاع مقدس، تنها مطالعه تاریخ نیست، بلکه بازخوانی الگوهای مدیریتی و ایثار است. این تجربیات، سرمایه‌ای بی‌پایان برای مقابله با تهدیدات نوین و نوپدید در عرصه دریا و زمین است. امیر ایرانی در بخش دیگری از سخنان خود به اهمیت دیپلماسی دریایی و تعامل با کشورهای همسایه و دوست اشاره کرد و گفت: قدرت دریایی ایران صرفاً جنبه دفاعی ندارد، بلکه به عنوان لنگرگاه ثبات در منطقه عمل می‌کند.

یادداشت

نسخه ترامپ: سرکوب در خانه، آشوب برای همسایه!

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا با رفتارها و کنشگری‌های خود، قواعد نیم‌بند نظام بین‌الملل را به سخره گرفته و آشکارا به زورگویی روی آورده است. او نه به دیپلماسی پایبند است و نه به اصول قانونی، بلکه با تهدید و قلدری می‌کوشد مسیر خود را تحمیل کند؛ روشی که معمولاً با واکنش‌های متقابل، به عقب‌نشینی منجر می‌شود. این رفتار تنها به سیاست خارجی محدود نیست، در داخل امریکا نیز همین شیوه را در پیش گرفته و هر صدای مخالفی را سرکوب می‌کند. نهادهای داخلی، اعتراضات مدنی و حقوق شهروندی، برای او مانعی در مسیر تحقق مطامع شخصی به شمار می‌آیند.

«صدای ایران» روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENEI.IR در سرمقاله شماره ۲۱۸ خود با بیان این نکته نوشته است:

در روزهای گذشته، خیابان‌های برخی از شهرهای امریکا به میدان جنگ تبدیل شده است. آنچه امروز در این کشور جریان دارد، دیگر یک بحران مقطعی امنیتی یا صرفاً یک چالش مهاجرتی محسوب نمی‌شود. امریکا در دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ وارد مرحله‌ای شده است که باید آن را بحران حکمرانی نامید- البته روند این بحران از سال‌ها قبل آغاز شده بود- در این مرحله، خشونت دولتی به ابزاری معمول برای اعمال قدرت و اعتراض مدنی به کنشی پرهزینه و خطرناک تبدیل شده است. کشته‌شدن الکس پرتی، پرستار امریکایی، توسط نیروهای فدرال مهاجرت در مینیاپولیس، صرفاً یک حادثه نیست، بلکه نماد سیاست آگاهانه ترامپ است. روایت کاخ سفید درباره مردی مسلح که مأموران ناچار به دفاع از خود شده‌اند، با ویدئوها، اظهارات خانواده و سخنان سناتورها همخوانی ندارد. تصاویر نشان می‌دهد قربانی بی‌سلاح و بدون تهدید، مورد ضرب‌وشتم قرار گرفته و سپس به او شلیک شده است. دولت فدرال مسئولیت را نپذیرفته و مسیر انکار و روایت‌سازی را در پیش گرفته است. جلوگیری از تحقیق مستقل و حمایت بی‌قیدوشرط از مأموران، آشکار می‌کند که هدف ترامپ، کنترل فضا و ایجاد ترس است. معاون او نیز در اظهارنظری قابل تأمل، این اعتراضات را «آشوب مهندسی‌شده» نامیده است.

مینیاپولیس در هفته‌های اخیر عملاً به شهری نظامی تبدیل شده است. حضور گسترده نیروهای فدرال، استفاده از گاز اشک‌آور و بمب‌های دودزا علیه تجمعات مسالمت‌آمیز و تهدید معترضان به بازداشت‌های گسترده، تصویری نگران‌کننده از وضعیت حقوق مدنی در امریکا ترسیم می‌کند. این شرایط نه حاصل ناآرامی مردمی، بلکه نتیجه تصمیمات سیاسی در بالاترین سطح قدرت است. دونالد ترامپ در مواجهه با اعتراض‌ها، به‌جای گفت‌وگو و کاهش تنش، راه تهدید را برگزیده است. او معترضان را آشوبگر می‌نامد، مقامات محلی را به تحریک شورش متهم می‌کند و نیروهای فدرال را «میهن‌پرست» می‌خواند. تناقض رفتاری ترامپ زمانی آشکارتر می‌شود که مواضع او درباره اغتشاشات ایران مورد توجه قرار گیرد. همان رئیس‌جمهوری که در قبال ناآرامی‌های ایران، آشکارا مردم را به خشونت، تصرف مراکز حساس و مقابله با حاکمیت دعوت می‌کرد، امروز در داخل کشور خود، هیچ‌گونه اعتراضی را تحمل نمی‌کند. او از اغتشاش در خارج حمایت می‌کند، اما اعتراض در داخل را با گلوله و بازداشت پاسخ می‌دهد.

برای ترامپ، اعتراض و حتی آشوب مشروع است اما وقتی که علیه رقبای ژئوپلیتیک امریکا شکل بگیرد. زمانی که همان منطق اعتراض به خیابان‌های امریکا می‌رسد، بلافاصله به شورش، تروریسم و تهدید امنیت ملی تعبیر می‌شود. دولت ترامپ همزمان با بحران‌های متعددی مواجه است. شکاف‌های اجتماعی عمیق‌تر شده، بحران مهاجرت تشدید شده، نارضایتی اقتصادی گسترش یافته و اعتماد عمومی به نهادهای امنیتی کاهش پیدا کرده است. پاسخ کاخ سفید به همه این بحران‌ها یکسان بوده و بر پایه سرکوب، تهدید و اعمال زور استوار شده است.

حمایت بی‌قیدوشرط ترامپ از نیروهای فدرال، حتی پس از انتشار شواهد تصویری قتل شهروندان، پیام روشنی به جامعه مخابره می‌کند. این پیام می‌گوید دولت می‌تواند از خشونت استفاده کند و خود را ملزم به پاسخگویی نداند. وقتی یک سناتور امریکایی از مردم می‌خواهد به چشم‌های خود اعتماد کنند، به این معناست که شکاف میان واقعیت و روایت رسمی به مرحله‌ای خطرناک رسیده است، با این حال ترامپ نه‌تنها عقب‌نشینی نمی‌کند، بلکه با تشدید حضور نیروهای فدرال، بحران را عمیق‌تر می‌سازد. او تنش را افزایش می‌دهد تا سرکوب را توجیه کند. امریکایی که امروز اعتراض مسالمت‌آمیز را با سلاح پاسخ می‌دهد، نمی‌تواند مدعی دفاع از حقوق بشر در جهان باشد. رئیس‌جمهوری که در خارج از کشور خود، آشوب به راه می‌اندازد و مزدورانش دست به جنایت می‌زنند و در داخل کشور صدای اعتراض مردم خود را خفه می‌سازد و در عین حال خود را رئیس‌جمهور صلح می‌خواند و از اینکه جایزه نوبل صلح را نگرفته عصبانی است، بیماری خطرناک است که نیاز به درمان جدی دارد.